

حقوق جزای عمومی

جلد اول

مقدمات و کلیات

انواع جرایم و اقسام مجازاتها
تعاریف، شناسایی علوم کیفری و ارتباط با دیگر علوم انسانی

تاریخچه حقوق جزا در ایران
احکام جزایی اسلام و دکتین مکاتب غرب

از

دکتر سیدجلال الدین مدنی

انتشارات پایدار

مدنی، مجلال‌الدین، ۱۳۱۶ -	سرشماره
ایران، قوانین و احکام	عنوان قراردادی
حقوق جزای عمومی، انواع جرم و اقسام مجازات‌ها، تعریف، شناسایی علوم کیفری و ارتباط با دیگر علوم انسانی... / از مجلال‌الدین مدنی.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: پایدار، ۱۳۹۳ -	مشخصات نشر
ج۱	مشخصات ظاهری
ج۱: ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۰۱-۶۸-۱	شابک
۹۷۸-۹۶۴-۶۹۰۱-۶۹-۸	وضعیت فهرست نویسی
فبا	مدرجات
ج۱. مقدمات و کلیات	موضوع
حقوق جزا - ایران	رده بندی کنگره
۱۳۹۳ ج۲۶۶ م۳۸۰۰ KMH	رده بندی دیویی
۳۴۵/۵۵	شماره کتابشناسی ملی
۳۵۳۱۵۶۰	



حقوق جزای عمومی (جلد اول)

❖ مؤلف: دکتر سید جلال الدین مدنی

❖ ناشر: پایدار

❖ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

❖ نوبت چاپ: اول / پائیز ۹۳

❖ لیتوگرافی: مدین

❖ چاپ: وفا

❖ قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

❖ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۰۱-۶۹-۸

تلفن مرکز بخش: ۷۷۸۶۶۴۴۰-۶۶۵۹۲۵۶۵

آدرس سایت اینترنتی: www.payadar.ir

(کلیه حقوق قانونی برای ناشر محفوظ است)

فهرست

پیشگفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۳

فصل اول: گام های اولیه برای شناسایی موضوع..... ۱۹

بخش اول: جرایم.....	۱۹
بند اول: بخشی از انواع عناوین جرم ها.....	۲۲
بند دوم: تشخیص اولیه اعمال مجرمانه.....	۳۱
بخش دوم: مجازات ها و انواع آن.....	۴۴
بند اول: کلیات بحث مجازات ها.....	۴۶
بند دوم: شناسایی اولیه انواع مجازات ها.....	۴۸
بخش سوم: طواری جرایم و مجازات ها.....	۵۹
بخش چهارم: تاریخچه حقوق جزا در ایران.....	۶۴
بخش پنجم: حقوق جزا در دوره اسلامی.....	۷۳
وضع نظام قضایی و حقوق جزا در قرون اول و دوم هجری.....	۷۴
بخش ششم: آخرین تحول تاریخی حقوق جزای ایران.....	۸۵

فصل دوم: مقدمات و کلیات..... ۸۹

بخش اول: تعریف و تقسیمات حقوق.....	۸۹
بند اول: تعریف علم حقوق.....	۸۹
بند دوم: تقسیمات حقوق.....	۹۰
الف) تقسیم علم حقوق بر اساس عامل دولت.....	۹۰
ب) تقسیم علم حقوق بر اساس پدیده مرز.....	۹۱
بند سوم: تقسیمی دیگر از شعب حقوق.....	۹۲
بند چهارم: پاره ای سؤالات مطرح ابتدایی.....	۹۳
بند پنجم: شناسایی مفاهیم و مقررات «حقوق جزای عمومی».....	۹۶
بخش دوم: تعریف و تقسیمات حقوق.....	۹۷
بند اول: تعریف حقوق جزا.....	۹۷

۹۹	بند دوم: مفهوم حقوق جزای عمومی
۱۰۱	بند سوم: رازهای « جرم، جزا و کیفر »
۱۰۴	بخش سوم: اهداف، موضوع و ویژگی های حقوق جزا
۱۰۴	بند اول: اهداف حقوق جزا
۱۰۷	بند سوم: ضرورت تعادل بین حقوق جامعه و حقوق محکوم علیه
۱۰۹	بخش چهارم: اهداف کیفر و اقدامات تأمینی در حقوق جزای اسلامی
۱۲۳	بخش پنجم: اهمیت و موضوع حقوق جزا
۱۲۳	بند اول: اهمیت حقوق جزا
۱۲۵	بند دوم: موضوع حقوق جزا
۱۲۷	بخش ششم: انواع و اقسام جرم
۱۲۸	بند اول: جرایم قابل گذشت و جرایم غیرقابل گذشت
۱۳۳	بند دوم: تقسیم جرایم به جرم کیفری و جرم مدنی (شبه جرم)
۱۳۴	بند سوم: تقسیم جرایم به جرایم عمدی و جرایم غیرعمدی
۱۳۵	بند چهارم: تقسیم جرایم به شرعی و عرفی
۱۳۶	بند پنجم: تقسیم جرایم به جنایت، جنحه، خلاف
۱۳۷	بند ششم: تقسیم جرایم به مشهود و غیرمشهود
۱۳۸	بند هفتم: تقسیم جرایم به حق الله و حق الناس
۱۳۹	بند هشتم: جرم آنی و جرم مستمر
۱۴۰	بند نهم: تقسیم بندی جرایم به نظامی و عمومی
۱۴۷	جرایم برخلاف تکالیف نظامی
۱۵۵	فرار از خدمت
۱۵۸	فرار در زمان جنگ و درگیری های مسلحانه
۱۶۴	در مورد سرقت
۱۶۹	ارتشاء، اختلاس، اخاذی
۱۷۱	بند دهم: تقسیم جرایم به ساده و اعتیادی
۱۷۱	بند یازدهم: تقسیم بندی جرایم به مادی و غیرمادی
۱۷۲	بند دوازدهم: تقسیم جرایم به سیاسی و عمومی
۱۷۴	بند سیزدهم: تقسیم جرایم به حدود، قصاص، دیات و تعزیرات
۱۷۶	بند چهاردهم: تقسیم بندی جرایم برابر وضع مجرمین (نظریه اثباتیون)
۱۷۷	بند پانزدهم: تقسیم بندی جرایم به جرایم مرکب و غیرمرکب
۱۷۸	بند شانزدهم: تقسیم بندی جرایم طبیعی و قراردادی
۱۷۸	بند هفدهم: تقسیم بندی جرایم به کامل، عقیم، محال

بند هجدهم: تقسیم جرایم ساده و مرکب.....	۱۷۹
بند نوزدهم: جرم کامل و جرم ناقص.....	۱۸۰
بند بیستم: جرم اصلی و جرم مانع.....	۱۸۰
بند بیست و یکم: جرایم وهمی.....	۱۸۱
بند بیست و دوم: جرم خدمتی.....	۱۸۱
بند بیست و سوم: گروه بندی جرایم به لحاظ تدریس.....	۱۸۱
بند بیست و چهارم: جرایم مطبوعاتی و غیرمطبوعاتی.....	۱۸۳

فصل سوم: روابط و بستگی حقوق جزا با دیگر علوم..... ۱۸۵

بخش اول: ارتباط حقوق جزا با دیگر رشتههای حقوقی.....	۱۸۵
بند اول: ارتباط حقوق جزا و حقوق مدنی.....	۱۸۵
بند دوم: رابطه حقوق جزای عمومی و حقوق تجارت.....	۱۸۹
بخش دوم: ارتباط حقوق جزای عمومی با دیگر رشته های حقوق.....	۱۹۱
بند اول: ارتباط با حقوق اساسی.....	۱۹۱
بند دوم: ارتباط با حقوق اداری.....	۱۹۳
بند سوم: ارتباط حقوق جزای عمومی با زیست شناسی.....	۱۹۵
بند چهارم: ارتباط با حقوق مالیه.....	۱۹۵
بند پنجم: رابطه حقوق جزای عمومی با علم اقتصاد.....	۱۹۷
بند ششم: رابطه حقوق جزا با حقوق کار.....	۱۹۹
بند هفتم: رابطه حقوق جزا و علوم روانی.....	۲۰۰
بند هشتم: رابطه حقوق جزا با جامعه شناسی کیفری.....	۲۰۱
بند نهم: رابطه حقوق جزا و علم اخلاق.....	۲۰۲
بند دهم: ارتباط حقوق جزای عمومی با آئین دادرسی کیفری.....	۲۰۵
بند یازدهم: ارتباط حقوق جزای عمومی و جرم شناسی.....	۲۰۷
بند دوازدهم: حقوق جزای قوای مسلح.....	۲۱۰
بند سیزدهم: ارتباط حقوق جزای عمومی با جرم یابی.....	۲۱۶
بند چهاردهم: ارتباط حقوق جزای عمومی با علم آمار و سیاست کیفری.....	۲۱۸
بند پانزدهم: ارتباط حقوق جزای عمومی با پزشکی قانونی.....	۲۲۰
بند شانزدهم: ارتباط حقوق جزای عمومی با حقوق جزای بین الملل.....	۲۲۲
بند هفدهم: ارتباط حقوق جزای عمومی و حقوق جزای اختصاصی.....	۲۲۳
بند هیجدهم: ارتباط با علم اداره زندانها.....	۲۲۳
بند نوزدهم: رابطه حقوق جزا و حقوق بین الملل عمومی.....	۲۲۴

۲۲۶	بند بیستم: ارتباط با شعب حقوق جزای بین الملل
۲۲۶	اول: حقوق جزای بین الملل
۲۲۸	دوم: حقوق بین الملل جزایی
۲۲۹	سوم: حقوق جزای برون مرز ملی یا حقوق جزای بین الملل خاص
۲۳۱	بند بیست و یکم: شعب حقوق جزای بین الملل
۲۳۳	بند بیست و دوم: طریق بررسی صحنه جرم یا پلیس علمی
۲۳۶	بند بیست و سوم: علوم جنایی
۲۳۶	اول: تشخیص هویت
۲۳۸	دوم: چهره نگاری
۲۳۸	سوم: عکاسی
۲۳۹	چهارم: تن پیمایی
۲۴۰	جرایم فردی و جرایم گروهی
۲۴۲	پنجم: آزمایشگاه جنایی
۲۴۳	ششم: اسلحه شناسی

۲۴۵	قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲
۳۴۱	منابع و مأخذ (کتابنامه)

پیشگفتار

به نکات ذیل توجه فرمایید:

۱- حقوق جزای عمومی از جمله دروس کلیدی و تأثیرگذار دانشکده حقوق است دانشجویان بعد از اتمام این درس به طور غیرمستقیم جامعه را بهتر ارزیابی می کنند و اهمیت اخلاق و دین و حقوق انسانی اسلامی را بهتر درک می کنند و متوجه می شوند تا چه میزان وجود امنیت قضایی، امنیت اجتماعی برای سالم زیستن و توسعه و پیشرفت و تعالی ضرورت دارد.

۲- با پیروزی انقلاب حق این بود که بلافاصله و حتی قبل از تصویب قانون اساسی موازین اسلامی به موقع اجرا درآید و تکلیف همه افراد ملت و گروهها و دستجات و اشخاص اعم از حقوقی و حقیقی در رابطه با امور کیفری مشخص گردد اما با وجود نوعی توقف در عملکرد قضایی و اختلاف نظرات فقهی این مهم بلافاصله صورت نگرفت.

۳- در سالهای اولیه استقرار نظام جمهوری اسلامی مهمترین اقدام قانونگذاری همین موازین حدود و قصاص و دیات و تعزیرات بود که قوانین جاری بیش از هفتاد ساله را درهم می ریخت با وجود اختلاف نظرات فقهی نسبت به حدود و قصاص و دیات تدوین اولیه صورت گرفت ولی در تعریف تعزیرات اشکالات و موانع و اختلاف نظرات شدیدی وجود داشت که قوه قضائیه و مجلس و شورای نگهبان را به حداقل توافقی نمی رساند به هر حال برای راه اندازی امور کیفری مصوباتی وجود داشت.

۴- در سال ۱۳۷۰ قانون مجازات اسلامی در سه بخش حدود و قصاص و دیات به طور موقت و آزمایشی به مدت ۵ سال بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی از تصویب کمیسیون قضایی و تأیید شورای نگهبان گذشت و در سال ۱۳۷۵ قانون تعزیرات به صورت دایمی تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان را پیدا کرد. قانون

مجازات اسلامی فوق الذکر که می بایست با ۵ سال دوره اجرای آزمایشی در سال ۱۳۷۵ به وضع قطعی و دایمی درآید بالاخره با تغییرات و اصلاحات مهم و تصرفات زیادی در قانون تعزیرات می رفت که تصویب دایمی مجلس را کسب نماید در اوایل سال ۱۳۹۲ باز هم به طور موقت و آزمایشی به مدت ۵ سال تصویب و تأیید شده است.

۵- البته تصویب احکام قطعی اسلام در مجلس به معنی تصدیق مطابقت مصوبه با شرع است و برای این است که اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها که مربوط به قانون اساسی است رعایت شده باشد ولی تأخیری که در تصویب این مقررات کیفری به مدت ۲۰ سال انجام گرفته ایراد مهمی است که متوجه هر سه قوه قضائیه، اجراییه و مقننه است چگونه می توان پذیرفت قوانین با این اندازه پر اهمیت و تأثیرگذار و با مبنای مستحکم چندین ده سال جنبه آزمایشی و موقت داشته باشد.

۶- قانونی با اهمیت قانون آزمایشی ۱۳۹۲ که در تمام شئون کشور تأثیرگذار است و در مقایسه با قانون ۱۳۷۰ تغییرات و اصلاحات مهمی پیدا کرده است می بایست قبل از تصویب در معرض افکار عمومی بخصوص متخصصین کیفری حوزه های علمی بالاخص قضات و وکلای دادگستری و اساتید دانشگاه و بسیاری صاحب نظران دیگر گذاشته می شد تا نظرات و انتقادات خود را ارائه نمایند در حالیکه در این خصوص صدا و سیما و مطبوعات تقریباً سکوت داشتند و هیچگونه نظرخواهی از مردم صورت نگرفت.

۷- مصوبه آزمایشی و موقت که عنوان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را دارد چگونه قانون دایمی تعزیرات ۱۳۷۵ را مورد تغییر و تبدیل و اصلاح در شکلی وسیع قرار داده است آیا کمیسیون قضایی این اختیار و اقتدار را از کجا کسب کرده است؟ آیا این اقدام خلاف قانون اساسی نیست؟ آیا تمديد اجرای قانون ۱۳۷۰ به گزرات مجاز

بوده است؟ آیا نمی بایست در پایان مدت آزمایش قانون جدید صورت دایمی و قطعی پیدا کند این تمدید مکرر متکی به چه اصلی است؟ وقتی مدت موقت و آزمایشی اجرای قانونی تمام می شود چیزی وجود ندارد که در معرض تمدید قرار گیرد.

۸- ایراد قطعی دیگری که بر قانون مجازات اسلامی وارد است عدم جامعیت است یعنی همه جرایم پیش بینی شده در قوانین خاص را در بر ندارد البته بخشی از این مسامحه در ارتباط با قوانینی مثل کار، تأمین اجتماعی، ارتش و سپاه که هر کدام قوانین کیفری خاص خود را دارند قابل اغماض است و در مجموعه های جزایی باید جمع شوند.

اما تعریف نکردن جرایم سیاسی و مطبوعاتی و معرفی نمودن این نوع جرایم به طور صریح که قانون اساسی هم در اصل ۱۸۶ تصویب آن را به عهده قانون عادی گذاشته نقص مهمی است مخصوصاً از آن جهت که ارتکاب بسیاری از جرایم در سی سال گذشته از دید بسیاری جنبه سیاسی داشته و نیاز به آن بوده که قانونگذار تکلیف را معین نماید.

۹- جرایمی که عنوان تعزیرات حکومتی دارند و بر طبق تصویب مجمع تشخیص مصلحت در اختیار سازمان تعزیرات حکومتی قرار گرفته و حقاً رسیدگی آنها در صلاحیت قوه قضائیه می باشد در این قانون آزمایشی موقت نظری ابراز نشده است در حالیکه تعداد جرایمی که در این حوزه صورت می گیرد بسیار زیاد و احکام محکومیتی که گاهی در رسانه ها عنوان می شود میلیاردی است.

۱۰- عنوان حقوق جزای عمومی به عنوان یکی از دروس دانشکده حقوق دوران مشروطیت به اعتبار قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ و نظایر آن بوده است بعد از پیروزی انقلاب که مقررات جزایی اسلامی جایگزین شده و قانونی هم که تصویب گردیده قانون مجازات اسلامی است که تمامی جرایم و مجازاتها را دربرگرفته ناچار

کتابهایی هم که در این زمینه تهیه می شود بدون اینکه تعصبی در کار باشد باید مبین اسلامیت جرایم و مجازاتهای متن (حدود، قصاص، دیات و تعزیرات) باشد بنابراین اسم این مجموعه چند جلدی حقوق جزای عمومی اسلامی خواهد بود و به نظر می رسد که نام درس هم به همین ترتیب باید اصلاح شود.

۱۱- آگاهی از مقررات قانون مجازات اسلامی و محتویات این کتاب تنها برای دانشجویان نیست همه طبقات جامعه و به طور کلی تمامی افرادی که در ایران اقامت و سکونت دارند قانوناً ضرورت دارد یعنی همه باید از مقررات کیفری تبعیت داشته باشند هر کس به نحوی از انحاء به مراجع قضایی و انتظامی ارتباط پیدا کند و مسئولیتی متوجه او باشد نمی تواند به عنوان بی اطلاعی از قانون متعذر شود فرضاً اگر راننده ای در خیابان از سمت چپ رانندگی کرد نمی تواند مدعی شود از مقررات کیفری رانندگی ایران بی اطلاع بوده و یک ساعت قبل وارد تهران شده در مورد تمامی جرایمی که زیر عنوان حدود، قصاص، دیات و تعزیرات مطرح است گاهی ضرورت قانونی برای همه دارد.

مقدمه

عنوان این کتاب حقوق جزای عمومی است. مباحث کتاب مجموعه ای از مسائل مربوط به جرم و مجازات طواری و حواشی آنها است در مقابل حقوق جزای عمومی حقوق جزای اختصاصی مطرح می شود در حقوق جزای خصوصی یا اختصاصی یکی یکی از جرایم مورد شناسایی قرار می گیرند جلد اول و دوم جزای اختصاصی قبلاً انتشار یافته است و اگر بخواهیم تمام جرایم را با همان سبک از ابعاد مختلف شناسایی کنیم احتمالاً جلد سوم و چهارمی از جزای اختصاصی هم خواهیم داشت گرچه گفته شد جزای خصوصی در مقابل حقوق جزای عمومی قرار دارد و محصول آن شناساندن فهرستی از جرایم به طور کامل است. اما با اندکی دقت ملاحظه می شود حقوق جزای عمومی در جزائیات وضع حقوق مدنی را در مدنیات دارد یعنی مادر رشته های حقوقی جزایی است در داخل هر کشور علم حقوق به چهار دسته مهم با ماهیتی متفاوت تقسیم می شوند: ۱. حقوق عمومی مثل حقوق اساسی، آئین دادرسی، ۲. حقوق خصوصی مثل حقوق مدنی و حقوق ثبت و حقوق تجارت، ۳. حقوق اداری که خود از حقوق عمومی منشعب شده به حقوق اداری کلی، حقوق اداری ایران و دیوان عدالت اداری تقسیم شده است.^۱ ۴. حقوق جزایی مثل حقوق جزای عمومی و حقوق جزای خصوصی، علم زندانها و جرم شناسی و ... در واقع علوم جزایی مثل جرم یابی، جرم شناسی و جزای خصوصی از حقوق جزای عمومی جدا شده اند و محور مباحث همه علوم جزایی جرم و مجازات است.

در این تقسیم بندیها از محوری بودن جرم و مجازات برای علوم جزایی صحبت

۱- بعداً خواهیم گفت حقوق اداری هم مثل دیگر علوم انسانی با حقوق جزای عمومی ارتباط دارد برای تدریس حقوق اداری در سال ۱۳۸۹ سه جلد حقوق اداری (۱)، حقوق اداری ایران (۲)، دیوان عدالت اداری (۳)، انتشار یافت.

می شود بدون اینکه تعریفی از جرم و مجازات داشته باشیم.^۱ جرم همان بزه و مجرم همان بزهکار است هیچکس نمی خواهد مجرم و بزهکار معرفی شود^۲ یعنی همه افراد جامعه که قوه عقل و درک و شعور دارند می فهمند که جرم و مجرم واژه های با محتوای مناسبی نیست هر چند افرادی به آن متصف باشند. گرچه در همه جوامع کم و بیش ارتکاب جرم و در نتیجه مجرم وجود دارد ولی همیشه ظاهراً در اقلیت هستند و معمولاً مجرم را مجازات می کنند زیرا مرتکب جرم شده است در رژیم مشروطیت جرایم را به چند دسته به تقلید از کشورهای غرب تقسیم کرده بودند: جنایت، جنحه بزرگ، جنحه کوچک، خلاف، جنایت مجازات سنگینی مثل اعدام یا حبس ابد و نظایر آن را داشت و تعدادی از جرایم را شامل می شد، جنحه بزرگ مجازات حبس چند سال تا چند ماه را داشت و شامل بسیاری از جرایم می گردید، جنحه کوچک جرایم سبکتر را در بر می گرفت و مجازات جزای نقدی چند ماه حبس تأدیبی و بالاخره خلاف مجازات چند روز حبس تأدیبی یا تددیری را داشت، در قانون مجازات اسلامی هم تقسیمات جرم بر اساس مجازاتی است که برای مجرم مقرر شده است: قصاص، دیات، حدود، تعزیرات، بدون اینکه تعریفی جامع و بدون ایراد از خود جرم شده باشد در مجازات قصاص جنایت قتل نفس یا قطع عضو و یا ضرب و جرح مطرح است که مرتکب به همان ترتیب ارتکاب مجازات می شود یا دیه پرداخت می کند (در صورت رضایت صاحب دم یا مجنی علیه) قصاص یعنی مجازات معادل جرم ارتکابی شخص.

۱- چکیده تعریف هایی که از جرم شده است: جرم عمل یا ترک عملی است که قانون آن را منع و برای ارتکاب آن مجازات پیش بینی نموده باشد. در فصل اول این کتاب از چندین صد عمل ممنوع به عنوان جرم نامبرده شده که قانون برای هر یک مجازات معلوم نموده است. ماده ۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ باز هم آزمایشی! در مقام تعریف قانونی از جرم می گوید: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود»

۲- در این مورد یک استثناء وجود دارد و آن مجرمین سیاسی است که علاقه دارند شهرت و محبوبیت پیدا کنند و به ادعای خود یا واقعاً برای استقلال و آزادی کشور و احیاء حقوق ملت و رفع ظلم و تجاوز دست به اقداماتی می زنند که مجرمانه است و تحت تعقیب قرار می گیرند بازداشت، تحت نظر قرار گرفتن، تبعید، زندان و بازداشت خانگی را برای خود افتخار می دانند و بعضی هم برای همین امتیازات اعمالی را انجام می دهند که جرم سیاسی محسوب می گردد.

هرگاه شخصی مرتکب جرم قتل شد مجازاتش قصاص نفس یعنی کشته شدن می باشد. اگر جرم ارتكابی مثلاً قطع عضو باشد مجازات قصاص داشتن یعنی دست مرتکب را به میزان عمل جنایی ارتكابی قطع نمایند.

تعزیر مجازاتی است که حاکم شرع یا قاضی و در حال حاضر قوه مقننه برای مرتکب جرم پیش بینی می کند این جرم عملی است غیر از آن مواردی که مجازاتش قصاص یا حد است یا در مقابل آن دیه پرداخت می شود. قانون تعزیرات اعمال بسیاری را که در قانون مجازات عمومی رژیم سابق جرم یا عنوان جنایت یا غالباً جنحه شناخته شده بود و در مجازاتهای قصاص و حد و دیات قرار نمی گیرد تعزیر شناخته، شاید می توان گفت جرایمی که مجازات تعزیر دارند نامحدود است تعزیر مجازات عملی است ممنوع که مجازات آن در حدودی در اختیار قاضی است و در قانون مجازات ۱۳۹۲ به ۸ درجه تقسیم گردیده است و عمدتاً با نظرات اجتهادی اخیر حبس، جزای نقدی، انفصال از خدمات دولتی و عمومی، محرومیت از حقوق اجتماعی، انحلال شخص حقوقی و ضربات شلاق و حتی اعدام و تبعید در آن پیش بینی شده است. در قانون تعزیرات با اجتهاد فقها^۱ عمده جرایم (غیر از آنها که مجازات حد یا قصاص یا دیه دارد) مثل جعل، استفاده از سند مجعول، اختلاس، ارتشاء، تجاوز به اراضی، جعل اسکناس، کلاهبرداری، غصب عناوین و مشاغل دولتی، تخریب، حریق، تقلب در انتخابات و ... به عنوان تعزیر مجازات اعدام، حبس، تبعید و مخصوصاً جزای

۱- از مهمترین تغییراتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در قوانین صورت گرفت در قوانین جزایی است و بحث انگیزترین آن در خصوص تعزیرات بود که مدت‌ها به طول انجامید. در قوانین جزایی فعلی دو دسته تعزیرات پیش بینی شده تعزیرات و تعزیرات حکومتی. در گروه اول یعنی تعزیرات عمده جرایم موضوع قانون مجازات عمومی سابق را قرار داده اند و در تعزیرات حکومتی جرایم مربوط به کسب و کار قرار گرفته مثل گران فروشی، کم فروشی، اختکار و نظایر آن که رسیدگی به آن موقتاً با تصویب مجمع تشخیص مصلحت به سازمان تعزیرات حکومتی واگذار شده است که اجرای دقیق قانون اساسی ایجاب می کند که رسیدگی به این دسته از جرایم هم در اختیار مراجع کیفری قوه قضائیه باشد.

نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی یا بعضاً شلاق معین شده است^۱ با این ترتیب مجموعه ای از قوانین جزایی اسلامی تدارک دیده شده و برابر قانون اساسی از تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان گذشته و به مورد اجرا درآمده است و ارکان و عناصر این جرایم در حقوق جزا به طور کلی مورد بحث قرار می گیرند (نه به شکل حقوق جزای اختصاصی). سئوالی که مطرح می شود این است که آیا گناه و معصیت چه ارتباطی با جرم دارد؟ آیا همان گناهان جرایم هستند؟ هر گناه یک جرم است؟ معاصی همان گناهان اند و جرایم همان معاصی می باشند؟ منکرات چه جایگاهی دارند؟ به نظر می رسد هر جرمی گناه است ولی هر گناهی جرم نیست. ارتکاب هر جرمی خلاف اخلاق است ولی هر موضوع خلاف اخلاقی جرم نیست. به طور کلی از نظر اسلام اعمال و رفتار و گفتار انسان یکی از چند وضع و حالت را می تواند داشته باشد. واجب، حرام، مستحب، مباح و مکروه این عناوین به رفتار و اعمال انسانها داده می شود. واجب اعمال و رفتاری است که مسلمان مکلف به انجام آن است مثل نماز، روزه، خمس، زکات، امر به معروف و نهی از منکر، احترام به والدین، رد امانت، وفای به عهد. دسته ای از اعمال جرم است و انسان مکلف به عدم انجام آن است مثل رباخواری، دروغ گفتن^۲، سرقت، ارتکاب قتل و دیگر جرایم که صدها نوع دارد انسان مکلف به عدم ارتکاب است.

دسته ای از اعمال و رفتار مستحب است و گاهی استحباب مؤکد می باشد مثل نماز شب (تهجد) نافله، کمک به مردم، زیارت ائمه. دسته ای از اعمال و رفتار مکروه اند یعنی مناسب نیست که افراد مرتکب شوند اما تحریم نشده مثل خوردن گوشت

۱- قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ که آزمایشی و قابلیت اجرای پنج ساله دارد تغییرات مهمی در قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ که دایمی است صورت داده که قابل تأمل از جهات مختلف است و طی بحثهای آینده به آنها توجه خواهد شد.

۲- البته دروغ که مناسفانه شایع است و از گناهان کبیره می باشد جرم شناخته نشده نوعی از آن که شهادت دروغ در محاکم است و باعث تضییع حقوقی گردد مجازات دارد.

اسب که تحریم نشده، خوردن غذای مانده و دسته ای از رفتار و گفتار مباح است که نه واجب اعلام شده و نه تحریم گردیده و عنوان مکروه هم ندارد مثل خرید و فروش و اجاره و خبر دادن، خبر گرفتن، صرف انواع غذاهایی که مهر تحریم نخورده است.

اصول دین توحید، نبوت و معاد است که با اصول مذهب عدل و امامت تکمیل می گردد و اصول اعتقادی است انسان اشرف مخلوقات است، مخلوق خداوند است تفاوت عمده‌ای با دیگر مخلوقات دارد، انسان از خدا است و به خداوند باز می‌گردد، خلیفه و جانشین خداوند در زمین است، جلوه‌ای از اوصاف خداوند را دارد در انجام اوامر خداوند آزاد است می‌تواند با تلاش و کوشش اوامر خداوند را لایک گوید و انجام دهد و می‌تواند انجام ندهد می‌تواند با کوشش به علوم دسترسی پیدا کند، اسرار طبیعت را کشف نماید و می‌تواند با راهنمایی که خداوند با اعزام رسل نموده و یا وسیله عقل و تفکری که به او داده مدارج عالی کمال را طی نماید و از راههایی که پیش‌پای او قرار داده شده به عالیترین مدارج انسانیت برسد و محصول کار را در این جهان و در آخرت ببیند و به آن برسد و متنعم باشد و می‌تواند در ضلالت و گمراهی افتد و مسیر غیر الهی و غلط را طی نماید و به اسفل ساقلین تبدیل شود. بخشی از آن اوامر و نواهی که در رابطه با امنیت و آرامش جامعه و ارتباط انسانها است در شکل قوانین کیفری درآمده تا هر کس خلاف قانون رفتاری داشت مجازات شود.

در مورد مسئله جبر و تفویض از لحاظ فلسفه بحثهای طولانی درگرفته آنان که قائل به جبرند می‌گویند انسان در انتخاب راه و در رفتار و اعمال صاحب اراده نیست قدرت و توان مافوق او وجود دارد که او را در راه شقاوت و ضلالت می‌اندازد و یا با هدایت اجباری به سعادت می‌رساند طبعاً چنین نظراتی باعث می‌شود که انسان در گمراه شدن خود را مقصر نداند و در ضلالت باقی بماند و به تکلیف فکر نکند چون اگر تکلیفی داشته باشد از جانب مبدأ اعلی به آن جهت سوق داده می‌شود و به همین جهت این چنین نظریه با عدل خداوند سازگار نیست و به آن اعتقاد ندارند. آدمی در مقابل اعمال ارتكابی پاداش یا عذاب دارد به اندازه مثقال و ذره ای رفتار او بدون

سنجش و بدون پاداش نیست. آنچه که به عنوان بهشت یا جهنم در قرآن مجید از آن یاد می شود به عنوان نتیجه همین سنجش افعال انسان در زمین در مدت عمر او است.

برای انسانها در اجتماع حقوق و تکالیفی است که بر اساس آن و در حدود آن باید برای نیل به اهداف عالی تلاش نمایند. پاره ای از اعمال و رفتار امنیت و نظم عمومی را مختل می سازد، به اجتماع و حقوق افراد لطمه وارد می نماید. قانون^۱ برای پیشگیری از ارتکاب آن اعمال و رفتار مجازات پیش بینی نموده است تا امنیت و نظم استمرار پیدا کند. خسارات متضررین از جرم جبران گردد، اجتماع محلی قابل زیستن باشد. ما امیدواریم تمامی عوامل مؤثر در ارتکاب جرم برطرف گردد و در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران پیدا کرده محلی برای ارتکاب هیچ نوع جرمی نباشد و تمامی ملت با سلامت و آگاهی به حقوق و وظایف جداً از ارتکاب اعمال ممنوع احتراز نمایند ما این امید را برای تمامی انسان ها در همه جوامع و کشورها داریم.

تهران - تیرماه ۱۳۹۲

دکتر مدنی

۱- قانون واژه ای است با مورد استفاده فراوان که در اصل و ریشه نه فارسی است و نه عربی بلکه معرب واژه Canon لاتین. Canon به مقرراتی اطلاق می شده که وضع آن کلیسا بوده است برحسب کتب لغوی فارسی به معنی امری است کلی که بر همه جزئیاتش منطبق گردد و احکام جزئیات از آن شناخته شود چون گفته نحویان فاعل مرفوع است مفعول منصوب و مضاف الیه مجرور معانی دیگر قانون (قاعده، رسم، ناموس، دستور، یاسا، حکم اجباری) که دستگاه حکومت مقتدر مملکتی صادر نماید و متکی و مبنی بر طبقات عالم تمدن و متناسب حالت انسان باشد و بدون استثناء شامل همه افراد مردم آن مملکت گردد و اغراض مستبدانه افراد در آن دخالتی نباشد. ترکیبات این واژه قانون دان، قانون شکن، قانون شکنی، قانون ماهیتی قانون گذار، قانون گذاری، قانونی، قانون نواز، قانون زن، به علاوه معنی روشن، کتاب قانون، شریعت، شکل، طرز، ترتیب و نظم هم می آید- آلت موسیقی است- سازی است از مخترعات معلم ثانی- آلت موسیقی متشکل از طبلی مستطیل و مسطح که سیمهای فلزی بر روی آن نصب شده و با انگشت سبابه مسلح به زبانه فلزی آن را در حالیکه بر روی زانو نهاده است می نوازد:

نه چنگ به قانون و نه دف بر دست است

جز محتسب شهر که بی می مست است

«شاه شجاع»

در مجلس دهر ساز مستی پست است

رندان همه ترک می پرستی کردند

(مراجعه شود به لغت نامه دهخدا که معانی بیشتری را بیابید).